

دکتر پدram سلطانی *

یادداشتی که با نام آقای علیرضا میررفیعی در روز چهارشنبه 26 اردیبهشت ماه تحت عنوان «تحول خواهان در میدان بدون بازی» در روزنامه وزین «دنیای اقتصاد چاپ شده بود را خواندم. نخست لازم می‌دانم به این نویسنده محترم که خارج گود است و اصلا در جریان اصل وقایع قرار ندارد توصیه نمایم که خود را سپر بلای دروغ پردازان ننماید و اجازه دهد تا راویان این گونه تحلیل‌های خیالی و اخبار نادرست خود دست به این امر بزنند تا مجال آشکار شدن واقعیت فراهم گردد.

عجیب است که تحول خواهان را به خاطر پایمردی ایشان در نفروختن اتاق ازرگانی تهران به دولت به نایب بودن بازی متهم می‌کنند! تحول خواهان از ابتدا تن به چنین بازی نداده بودند. در بازی که داور (دولت) به بازی تیم ضعیفتر (جناح اقلیت) می‌شتابد تا ایشان را برنده بازی نماید و خود نیز بتواند بخشی از جوایز بازی را به ارمغان ببرد همان بهتر که تیم دیگر زمین را ترک کند.

گروه خواستاران تحول در انتخابات دوم اسفند به‌رغم همه کارشکنی‌های اردوگاه انحصار طلبی در اتاق ایران در حق خود، موفق شد 23 کرسی از 40 کرسی اتاق تهران را به دست آورد. در روز انتخابات هیات رییس اتاق تهران نیز به غیر از بهزادیان - که برای عدم تایید اعتبارنامه‌اش تفاهمی در پس پرده شکل گرفته است - 22 نفر دیگر در جلسه حاضر بودند. در نتیجه رای گیری برای رییس و نایب رییس اتاق هم دیدیم که تمام نمایندگان خواستاران تحول یکدست و یکصدا به نامزدهای خود رای دادند و علاوه بر آن در هر مرحله 5-6 رای نیز از جناح مقابل جذب کردند. لذا اتحاد خواستاران تحول در این انتخابات بی‌نظیر بود و قطعا لذت چنین شکستی به مراتب بیش از پیروزی است که نتیجه آن دولتی کردن اتاق و از کارایی انداختن آن بوده است. چگونه شد که فعالان توسعه که در شعارهای تبلیغاتی خود همیشه خود را معتقد به صیانت از جایگاه اتاق در مقابل دولت معرفی می‌نمودند و برچسب دولتی بودن را به خواستاران تحول می‌زدند، این گونه به وعده‌های خود به رای‌دهندگان شان پشت کردند و نفر اول و دوم هیات‌رییس را از میان چهره‌های سیاسی و دولتی برگزیدند؟

و اما نکته بعدی: توصیه می‌کنم که نظریه پردازان جناح اقلیت با معیارهای مربوط به گروه خود تحول را محک نزنند! در اردوگاه سنتی‌ها چون همه کاره و تصمیم‌گیرنده یک نفر است، درک این نکته که در خواستاران تحول پدرسالار وجود ندارد و تصمیمات براساس اجماع اتخاذ می‌گردد البته برای ایشان مشکل است. باور این نکته هم که عطش ریاست و لذت قدرت چهره‌های مطرح تحول را دچار خود نموده است بر ایشان باورنکردنی ست پس به ایشان حق می‌دهیم که دائماً تحلیل‌های غلطی از اینکه چرا مهرعلیزاده، صفائی فراهانی یا دیگران کاندید هیات‌رییس نشدند ارائه دهند!

به تایید همه آگاهان منصف، در دوره 4 ساله قبل که خواستاران تحول سد 24 ساله انحصار در اتاق تهران را شکستند و تعدادی از آنها به اتاق تهران راه یافتند، این اتاق دوباره متولد شد. با احیای مجدد هویت اتاق تهران و استقلال آن از اتاق ایران به یکباره تعداد اعضای آن رشدی 250 درصدی یافت و اعضا توانستند اخذ خدمات از اتاق را تجربه کنند.

پس می‌بینیم که تحولی که خادمان اردوگاه سنت همواره از آن به عنوان تشنج یاد می‌کنند چگونه توانست در خدمت بخش خصوصی و اعضای اتاق قرار گیرد. در این دوره نیز تحول خواهان اتاق تهران مطمئن‌اند که این حرکت ادامه خواهد یافت چرا که خواستاران تحول نه آمده‌اند که در معامله با دولت عهد خود با بخش خصوصی را زمین بگذارند و نه مقهور ریشه‌های 28 ساله سنتی‌ها در اتاق شوند. همه نیز به خوبی می‌دانند که از این پس دیگر به سختی می‌توان حضور نمایندگان دولت در جلسات را دید ضمن اینکه دوستان گروه اقلیت نیز به جز تعدادی اندک نه وقتی برای حضور در جلسات دارند و نه حرفی برای گفتن.

طبیعی است هیات‌رییس‌های که قرار است انتخاب خود را مدیون رای نمایندگان دولت بدانند جای نمایندگان تحول نیست. هیات‌رییس‌ها و امدار دولت چگونه می‌خواهد منتقد آن باشد؟ آیا مدافعان جناح سنتی واقعا این نکته مهم را نمی‌دانند یا قصد دارند افکار عمومی را با طرح این مطالب منحرف نمایند؟ به هر تقدیر «شب دراز است و قلندر بیدار» خواهیم دید و خواهید دید که «وزارت اتاق بازرگانی تهران» چگونه از منافع بخش خصوصی کوچک در مقابل دولت بزرگ صیانت خواهد نمود. نکته آخر اینکه یکپارچگی تحول خواهان در جریان انتخابات اتاق تهران و اثبات این مدعا که نمایندگان و مدافعان واقعی بخش خصوصی کسی جز خواستاران تحول نیست، اقبال ایشان را در بین نمایندگان اتاق‌های شهرستان و تشکلهای بیشتر نموده است و این پیروزی بزرگی برای تحول و برای همه مخالفان رکود و انحصار در اتاق ایران بود. انتخابات اتاق ایران در پیش است و سرنوشت این انتخابات بستگی زیادی به نگرش نمایندگان شهرستانها و تشکلهای دارد. این نمایندگان یک مخاطب ساده و به دور از جریان اتاق نیستند. آنها به خوبی می‌دانند که مهم‌ترین سنگر بخش خصوصی اتاق ایران است و این سنگر را به دست کسانی نباید سپرد که برای بقا در هیات‌رییس اتاق دست به هر معامله‌ای می‌زنند ولو اینکه این معامله منجر به تبدیل اتاق به یک جایگاه تشریفاتی و بدون کارایی شود و یا رکود 3 دهه‌ای آن را بقا و دوام بخشد. خواستاران تحول در بازی یک طرفه اتاق تهران پایمردی و شرافت خود را به نمایش گذاشت و با اتکا به همین وجوه تمایز خود، در انتخابات هیات رییس اتاق ایران نمایندگان واقعی و دلسوز بخش خصوصی را از همه شهرستانها و تشکلهای درکنار خود خواهد داشت.

*عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

از گروه خواستاران تحول